



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری  
دوره ۱۳ / شماره ۱ (پیاپی ۴۹) / بهار ۱۴۰۳  
صفحه ۳۵۳ تا ۳۷۴

## بررسی رابطه مدیریت سیاسی و کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی در بازار سرمایه ایران

علی مولائی ایل ذوله

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول  
molaiyali@pnu.ac.ir

کاوه پرندین

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
kparandin@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

### چکیده

شرکت‌ها می‌توانند از طریق گزارشگری متهورانه مالیاتی، مالیات خود را کاهش داده یا پرداخت آنرا به تاخیر بیاورند. عوامل متفاوتی، از جمله مدیریت سیاسی و کارایی مدیران بر گزارشگری متهورانه مالیاتی تاثیرگذار هستند. در این رابطه، مطالعه‌ی حاضر ضمن بررسی تأثیر مدیریت سیاسی و کارایی مدیران بر گزارشگری متهورانه مالیاتی، اثر تعدیلی مدیریت سیاسی را نیز بر ارتباط کارایی مدیران و گزارشگری متهورانه مالیاتی، بررسی می‌کند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت سیاسی و کارایی مدیران بر گزارشگری متهورانه مالیاتی است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۱۲۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ پرداخته شد. برای سنجش مدیریت سیاسی از دو معیار بدهی بلندمدت و وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، برای سنجش کارایی مدیران از مدل دمرجیان و برای سنجش گزارشگری متهورانه مالیاتی از تفاوت بین مالیات ابرازی و تشخیصی استفاده گردیده است. در این تحقیق از روش‌های آمار همبستگی و رگرسیون چند متغیره با الگوی داده‌های ترکیبی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد مدیریت سیاسی با گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه مثبت و معناداری، دارد ولی کارایی مدیران، دارای رابطه منفی و معناداری، با گزارشگری متهورانه مالیاتی است. این در حالی است که مدیریت سیاسی، موجب تضعیف ارتباط مستقیم بین کارایی مدیران و گزارشگری متهورانه مالیاتی نمی‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت سیاسی، کارایی مدیران و گزارشگری متهورانه مالیاتی.

## ۱- مقدمه

مالیات به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. از طرفی هزینه‌های مالیاتی، موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام، را کاهش می‌دهد لذا مدیران شرکت‌ها در تلاش‌اند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. سیاست‌های متهورانه مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات از آنها استفاده کنند. در این پژوهش گزارشگری متهورانه مالیاتی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از ابزارهای کاهش مالیات پرداختی توسط شرکت‌ها، بررسی می‌شود. گزارشگری متهورانه مالیاتی، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. اما فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است (هانلوم و هیتزمن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). از آنجایی که گزارشگری متهورانه مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون گزارشگری متهورانه مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل آن وجود ندارد، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر سیاست‌های متهورانه مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح گزارشگری متهورانه مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش‌های پیشین (مانند: اسودی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷؛ پارک و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ لینگ و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸) نشان می‌دهد از جمله عوامل تأثیرگذار بر گزارشگری متهورانه مالیاتی، مفهوم مدیریت سیاسی و کارایی مدیران است. منظور از مدیریت سیاسی وجود اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت و نهادهای دولتی است. در کشور ایران روابط سیاسی دارای ابعاد پرننگی است، سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می‌باشد (نیکو مرام و همکاران، ۱۳۹۲). از سوی دیگر دمرجیان<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) کارایی مدیران را توانایی مدیران در افزایش ارزش شرکت با استفاده مؤثر از منابع محدود در کل عملیات تجاری می‌داند. مبحث مدیریت سیاسی، کارایی مدیران و مالیات از جمله مباحث چالش برانگیزی است که در سال‌های اخیر مورد بررسی و پژوهش‌های مختلفی قرار گرفته است (مانند: هانی و نیانداری<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸؛ آقایی، ۱۳۹۷؛ سعید و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸). سئوالی که ممکن است در ذهن مطرح شود این است که مدیریت سیاسی و کارایی مدیران چه رابطه‌ای با گزارشگری متهورانه مالیاتی دارند. نتایج تحقیق اسواری و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۹)، نشان داد مدیران شرکت‌های دولتی به دلیل حمایت از برنامه‌های دولت، مالیات خود را به طور کامل پرداخت می‌کنند در حالی که یافته‌های کیم و ژانگ<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۶) و کاشانی‌پور

<sup>۱</sup> - Tax Aggressiveness Reporting

<sup>۲</sup> - Hanlon & Heitzman

<sup>۳</sup> - Aswadi et al

<sup>۴</sup> - Park et al

<sup>۵</sup> - Ling et al

<sup>۶</sup> - Demerjian

<sup>۷</sup> - Hanny & Niandari

<sup>۸</sup> - Saeed et al

<sup>۹</sup> - Iswari et al

<sup>۱۰</sup> - Kim & Jung

همکاران (۱۳۹۸) بیانگر این است، با افزایش مدیریت سیاسی گزارشگری متهورانه مالیاتی افزایش می‌یابد. کاستر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) معتقدند، با افزایش کارایی مدیران فعالیت‌های مرتبط با اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد این در حالی است که فرانسویس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) معتقدند، مدیران با توانایی بالا، کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب از مالیات می‌گردند. از آنجایی که رابطه‌ی مدیریت سیاسی و کارایی مدیران بر گزارشگری متهورانه مالیاتی متفاوت بوده لذا جهت بررسی دقیق‌تر این رابطه، نیاز است تا این موضوع باز هم مورد پژوهش قرار گیرد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه مدیریت سیاسی و کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران است. از طرف دیگر مسأله درآمدهای مالیاتی دولت به دلیل نسبت اندک مالیات به تولید ناخالص داخلی مهم به نظر می‌رسد؛ به طوری که در ایران به طور میانگین در حدود ۷ درصد، در کشورهای درحال توسعه برابر ۱۷ درصد و در کشورهای عضو اتحادیه اروپا تقریباً ۳۴ درصد است (کرمی و شهابی، ۱۳۹۷). این اختلاف اساسی، بیانگر ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه حسابداری مالیاتی است.

جنبه نوآوری این پژوهش عبارت است از اینکه با توجه به شرایط حاکم بر بازار ایران، اثرگذاری مدیریت سیاسی عامل مهمی است که به ندرت واکاوی شده و منجر به توسعه ادبیات اقتصاد سیاسی می‌شود. از سوی دیگر این اثرگذاری بر رابطه بین کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی، پژوهش نشده است. در ادامه پس از بیان جنبه نظری و پیشینه پژوهش به روش پژوهش و در نهایت با ارائه یافته‌ها به بحث و نتیجه گیری پرداخته می‌شود.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- مدیریت سیاسی و کارایی مدیران

در خصوص چگونگی تأثیر مدیریت سیاسی بر کارایی مدیران نظرات مختلفی وجود دارد، بر اساس فرضیه نظرات فعال مدیران سیاسی معمولاً مدیریت بهتری در مورد سرمایه‌گذاری دارند. در مقابل، فرضیه منافع شخصی عنوان می‌دارد مدیران سیاسی به دلیل دسترسی به اطلاعات، ممکن است باعث کاهش تشویق کارکنان جهت بهبود عملکرد و کارایی شرکت شوند (باشی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). علاوه بر این شرکت‌های دولتی اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند که با سودآوری فاصله دارد و مازاد نیروی کار را بر اساس ملاحظاتی به جز بازدهی یا اثربخشی، حفظ می‌کنند (به‌ای<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷). بدین ترتیب شرکت‌های دولتی در نتیجه پیروی نکردن از سیاست‌های یکنواخت و منظم، نظام راهبری ضعیف و ناکارآمدی دارند و این سیاست‌ها به درستی اجرا نمی‌شوند (لاله ماژین و همکاران، ۱۳۹۶). سهامداران کنترل کننده، و مدیران شرکت‌های دولتی در مقایسه با شرکت‌های خصوصی، انگیزه زیادی برای دنبال کردن منافع شخصی خود دارند در نتیجه، مدیران سیاسی برای جبران این هزینه‌ها، به دریافت منابع مالی از دولت اقدام می‌کنند. بنابراین، مدیریت سیاسی به مانند شمشیر دولبه می‌باشد که هم می‌تواند باعث افزایش کارایی

<sup>۱</sup> - Koester et al

<sup>۲</sup> - Francis et al

<sup>۳</sup> - Bushee

<sup>۴</sup> - Bai

شرکت و هم باعث به خطر افتادن آن باشد. بورسیوف<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) معتقد است محدود شدن کنترل‌های سیاسی باعث افزایش انعطاف‌پذیری شرکت شده در نتیجه سیاست‌های حاکمیت شرکتی مؤثرتر اجرا خواهد شد. برخی انتصاب‌های سیاسی اهداف متضادی را دنبال می‌کنند، ممکن است هدف یک انتصاب افزایش اشتغال و یا کاهش هزینه‌های اجتماعی باشد. بنابراین با توجه به اهداف مذکور شرکت‌ها سیاست‌ها و رویه‌های مشخصی را انتخاب می‌کنند. به همین ترتیب یک انتصاب دولتی ممکن است، بیشتر از آنکه برای کارایی شرکت مفید باشد برای آن مضر می‌باشد (آنگ و دینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). به زعم گلدمن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در صورت انتصاب یک مقام وابسته به دولت به عنوان هیئت مدیره شرکت، بازده غیر عادی افزایش می‌یابد. (فاسیو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶) نشان داد شرکت‌های دارای مدیریت سیاسی، عملکرد کمتر از حد مورد انتظار نسبت به شرکت‌هایی فاقد مدیریت سیاسی، بر اساس اطلاعات حسابداری داشته‌اند. یک دلیل ممکن برای کمتر از حد انتظار بودن کارایی مدیران شرکت‌های دارای وابستگی سیاسی می‌تواند ناشی از تخصیص نامناسب منابع به سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش فساد باشد. بنابراین تخصیص نامناسب منابع و همچنین افزایش فساد بر عرضه و تقاضای سهام شرکت‌ها تأثیرگذار خواهد بود. از سوی دیگر ممکن است مدیریت سیاسی از طریق رانت‌های غیرمنصفانه اقتصادی در زمینه مصرف کنندگان و رقبا باعث افزایش ارزش و کارایی شرکت شود (فاسیو، ۲۰۰۶).

## ۲-۲- مدیریت سیاسی و گزارشگری متهورانه مالیاتی

بر اساس نظریه اقتصاد سیاسی، اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. این به این معنا است که فعالیت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و بر عکس دارند (مهدی‌فرد و رویایی، ۱۳۹۴). اسوادی (۲۰۱۷) معتقد است حضور و نفوذ مدیران سیاسی در ارکان اداره شرکت‌ها، موضوعی است که می‌تواند با توجه به وجود شواهد تجربی به عنوان امری بدیهی قلمداد شود. با این حال، ارتباطات سیاسی می‌تواند از طرق مختلف بین شرکت‌ها و دولت ایجاد شود، از جمله از طریق ساختار مالکیت، حضور در ترکیب هیات مدیره، تولید محصولات خاص و ارتباطات شبکه‌ای. صرف نظر از روش برقراری ارتباط میان شرکت‌ها و دولت، آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، پیامدهای این نوع از ارتباطات برای شرکت‌هاست. یکی از مهمترین ویژگی بازارهای سرمایه نوپا، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، وجود سرمایه‌گذاران عمده و تملک بخش اعظمی از حقوق مالکانه شرکت‌ها توسط آنان است. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست، حضور سرمایه‌گذاران عمده، از جمله سازمان‌های بزرگ دولتی، و موسسات مالی در بازار سرمایه موید این موضوع است (رشیدیان و همکاران، ۱۳۹۳). لی و وانگ<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) معتقدند شرکت‌هایی که دارای مدیریت گسترده سیاسی با دولت می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران

<sup>1</sup> - Borisov

<sup>2</sup> - Ang & Ding

<sup>3</sup> - Goldman et al

<sup>4</sup> - Faccio

<sup>5</sup> - Lee & Wang

این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی متهورانه‌تری استفاده می‌نمایند. در کشور ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پررنگی است، سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می‌باشد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی با توجه به اینکه میزان ارتباطات سیاسی بر جسارت مدیران این گونه شرکت‌ها تأثیرگذار بوده و سطح استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را در آنها افزایش می‌دهد و در نتیجه دستکاری در میزان سود گزارش شده، میزان مالیات پرداختی شرکت نیز به شکل متهورانه‌ای کاهش می‌یابد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای مدیریت سیاسی بیشتر، شفافیت کمتری دارند (اسوادی، ۲۰۱۷). لینگ و همکاران<sup>۱</sup>، (۲۰۱۶) بر این باورند، شرکت‌های دارای مدیریت سیاسی در معرض خطر بیشتری برای گزارش‌دهی نادرست مقدار سود قرار دارند، بنابراین در شرکت‌های با مدیریت سیاسی بالاتر، میزان استفاده از اقلام تعهدی بالاتر بوده و مدیریت با استفاده از اختیارات خود و اقلام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید تا بتواند میزان پاداش خود را افزایش دهد.

### ۲-۳- کارایی مدیران و گزارشگری متهورانه مالیاتی

در متون حسابداری کارایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به عنوان دارای نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. دم‌رجیان (۲۰۱۳) کارایی مدیریتی را توانایی مدیران در افزایش ارزش شرکت با استفاده مؤثر از منابع محدود در کل عملیات تجاری شرکت تعریف نموده است. مدیران با سطح بالاتری از کارایی باید دانش و اطلاعات مرتبط بیشتر و درک بهتری از پیرامون صنعت داشته باشند. کاستر و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند مدیران کارا می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و انجام برنامه‌ریزی‌های عملیاتی نقش مهمی در بالا بردن ارزش آتی شرکت داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این تصمیمات، گزارشگری متهورانه مالیاتی است. رابطه بین کارایی مدیران و تهور مالیاتی شرکت‌ها را می‌توان از دو دیدگاه سنتی و نمایندگی مورد بررسی قرارداد. با توجه به دیدگاه سنتی در مورد ارتباط بین تهور مالیاتی و ارزش شرکت، تهور از مالیات با کاهش منابع انتقالی به عنوان مالیات از شرکت به دولت باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود (خسروی، ۱۳۹۳). از این‌رو، طبق دیدگاه سنتی، مدیران با سطح بالایی از کارایی منابع حاصل از تهور مالیاتی را وارد شرکت می‌کنند و باعث افزایش ارزش شرکت می‌شوند. این منابع با توجه به کاهش مالیات پرداختی و در نتیجه افزایش سود خالص دوره جاری و نهایتاً افزایش میزان نقدینگی حاصل می‌شود (پارک و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال طبق تئوری نمایندگی اگر چه تهور مالیاتی ممکن است مزایایی برای سهامداران به همراه داشته باشد. ولی این کار هزینه‌های غیر مالیاتی، از جمله زمان، منابع انسانی و منابع صرف شده برای استراتژی‌های مالیاتی، هزینه‌های سیاسی و نهایتاً هزینه‌هایی که بابت متزلزل شدن جایگاه شرکت در جامعه به دلیل افترا و تهمت فرار مالیاتی باید پرداخت کند را به همراه دارد. مدیران با سطح کارایی بالاتر قادر به پیش‌بینی بهتر این هزینه‌ها و مزایای تهور مالیاتی می‌باشند. بنابراین سطح مطلوب تهور از مالیات

<sup>1</sup> - Ling et al

تعیین شده توسط مدیران ممکن است بسته به ویژگی‌های شرکت‌ها متفاوت باشد (حسن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). اسلمورد<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) معتقد است سطح مطلوب تهور از مالیات، سطحی است که شرکت در بالاترین ارزش خود با توجه به ویژگی‌های خاص هر شرکت، میزان نسبی هزینه‌ها و منافع حاشیه‌ای ناشی از تهور از مالیات قرار می‌گیرد. یک مدیرکارا، اطلاعات بیشتری در مورد محیط کسب و کار شرکت دارد. بنابراین می‌تواند بازدهی شرکت را از طریق استفاده موثر از منابع محدود شرکت به حداکثر برساند (دمرجیان و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). اگر هزینه‌های مالیاتی و هزینه‌های غیر مالیاتی تهور از مالیات بیش از منافع آن باشد و هزینه فرصت تهور از مالیات بیش از فعالیت‌های دیگر مدیریتی باشد، مدیران توانمند منابع شرکت را در سایر فعالیت‌های مدیریتی از قبیل بازاریابی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مالی صرف می‌کنند تا عملکرد کلی شرکت را به حداکثر برسانند (مسیحی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین بنا به تئوری نمایندگی و با توجه به رابطه بین تهور از مالیات و ارزش شرکت، با بالا رفتن کارایی مدیران گزارشگری متهورانه مالیاتی کاهش می‌یابد (پارک و همکاران، ۲۰۱۶).

#### پیشینه تجربی پژوهش

هیرانتی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تاثیر توانایی مدیران بر عملکرد آتی بانک‌ها با نقش میانجی‌گری تفاوت مالیات ابرازی با تشخیصی پرداختند. نتایج نشان داد که توانایی مدیریت بر عملکرد بانکی آینده تأثیر مثبت و معناداری دارد در حالی که تفاوت مالیات ابرازی با تشخیصی می‌تواند تأثیر توانایی مدیریتی را بر عملکرد آتی بانک کاهش دهد.

تسای<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه تبانی ارتباطات سیاسی با اجتناب مالیاتی در چین پرداختند. آنها دریافتند که گردش مالی سیاسی منجر به بی‌ثباتی تبانی موجود و در نتیجه کاهش اجتناب از مالیات می‌شود. همچنین ارتباطات سیاسی شرکت‌های که تحت پیوندهای سیاسی و مالکیت شرکت‌ها قرار گرفته‌اند، تبانی موجود را تثبیت کرده و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا مزایای خود را در هنگام مواجهه با شوک‌های سیاسی خارجی حفظ کنند.

لی و یون<sup>۶</sup> (۲۰۲۰) به بررسی رابطه توانایی مدیران با برنامه‌ریزی مالیاتی (تهاتر هزینه‌های مالیاتی با غیر مالیاتی) پرداختند. یافته‌ها نشان داد توانایی مدیران با هزینه‌های مالیاتی رابطه‌ی مثبت ولی با هزینه‌های غیر مالیاتی و تهاتر هزینه‌های مالیاتی و غیر مالیاتی رابطه‌ی منفی دارد. همچنین مدیران باید برای بهبود ارزش شرکت، تهاتر بین هزینه‌های مالیاتی و غیر مالیاتی را در نظر بگیرد، زیرا توانایی مدیران توسط گزارش‌های مالیاتی و مالی به طور همزمان منعکس می‌شود.

<sup>1</sup> - Hasan et al

<sup>2</sup> - Eslmord

<sup>3</sup> - Demerjian et al

<sup>4</sup> - Herianti et al

<sup>5</sup> - Tsai et al

<sup>6</sup> - Lee and Yoon

اسواری و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با تهور مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی پرداختند. نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی هیأت مدیره و هیأت امنای تهور مالیاتی دارای رابطه‌ای منفی است. لذا شرکت‌های دولتی که دارای ارتباطات سیاسی هستند به دلیل شفاف‌سازی و پاسخگویی به مردم، تمایل به تمکین مالیاتی دارند. اگر چه ارتباطات سیاسی با دولت و مجلس وجود دارد، اما مدیران به دلیل حمایت از اجرای برنامه‌های دولت، آنرا به‌عنوان مزایای مالیاتی تلقی نمی‌کنند.

هانی و نیانداری<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی، ویژگی‌های شرکت و کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیات پرداختند. نتایج نشان داد، تنها ارتباطات سیاسی دارای تأثیر منفی معناداری بر اجتناب از مالیات دارد. اهرم مالی، ویژگی‌های شرکت و همچنین کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری در اجتناب از مالیات نداشتند. مالول و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت‌های تونس را بررسی کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، ارتباطات سیاسی موجب بهبود عملکرد و ارزش شرکت می‌شود. در واقع سرمایه‌گذاران به دلیل کسب منافع بیشتر، به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با ارتباطات سیاسی بالا تمایل نشان می‌دهند. سعید و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد شرکت را بررسی کردند. نتایج نشان داد بین ارتباطات سیاسی و عملکرد شرکت، رابطه منفی وجود دارد. آنها دریافتند که عملکرد شرکت‌های سیاسی بر اساس شاخص‌های بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام به ترتیب حدود ۱۷ و ۱۵ درصد کمتر از عملکرد شرکت‌های غیرسیاسی است.

نتایج پژوهش لینگ و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد، شرکت‌های با ارتباطات سیاسی قوی‌تر، معمولاً دسترسی آسان‌تری به تامین مالی بلندمدت دارند. هر چند ارتباطات سیاسی ممکن است به شرکت‌ها برای به دست آوردن منابع مالی بیشتر و افزایش بار مالی کمک کند، اما مداخله سیاست‌مداران ممکن است موجب تحریف در تخصیص منابع اجتماعی، و در نتیجه عملکرد ضعیف شرکت شود.

وانگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) به بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقابلانه در چین پرداختند. بر اساس یافته‌ها، افزایش توانایی مدیریت به کاهش گزارشگری مالی متقابلانه منجر می‌شود. همچنین ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند تأثیر توانایی مدیریت بر احتمال تقلب صورت‌های مالی را تضعیف کند. در نهایت شواهد آشکار کرد که چنین روابطی عمدتاً در شرکت‌های غیردولتی مصداق دارد.

اسودی و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی با تهور مالیاتی در کشور مالزی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد تهور مالیاتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی بیشتر از شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی است. همچنین اگر اندازه هیأت مدیره بزرگ باشد احتمال تهور مالیاتی کاهش می‌یابد.

<sup>1</sup> - Aswadi et al

<sup>2</sup> - Hanny & Niandari

<sup>2</sup> - Maaloul et al

<sup>4</sup> - Saeed et al

<sup>5</sup> - Wang et al

<sup>6</sup> - Aswadi et al

پارک و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه کارایی مدیریتی، ارزش شرکت با اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان دهنده رابطه منفی و معنادار بین کارایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. همچنین نتایج نشان دادند که رابطه منفی و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت بود. بعلاوه، مدیران با کارایی بالاتر منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می‌شوند.

کیم و ژانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان ارتباطات سیاسی و سیاست مالیاتی متهورانه پرداختند. نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر سیاست مالیاتی متهورانه دارد و شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی متهورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند.

کاستر و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند مدیران با توانایی بیشتر موجب افزایش اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌شوند. همچنین، یافته‌ها گویای این مطلب است که مدیران توانمند برای کاهش پرداخت مالیات از راه‌های مختلفی از قبیل: تعامل در فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی دولت‌ها، سوق دادن درآمد بیشتر به سمت درآمدهای خارجی و استفاده از سپر مالیاتی خارجی، ایجاد طرح و توسعه اعتباری و سرمایه‌گذاری بیشتر در دارایی‌های که شتاب کسر استهلاک آنها بالاست، استفاده می‌نمایند. همچنین نتایج تحقیق لی و ژو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نشان داد، ارتباطات سیاسی تاثیر مثبت و معناداری بر عرضه اولیه اوراق بهادار دارد و شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، کمتر احتمال دارد که عرضه اوراق بهادار آنها توسط مقامات نظارتی برای حسابرسی انتخاب شود.

کورریا<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط اجرای قوانین بورس اوراق بهادار با ارتباطات سیاسی در آمریکا پرداخت، نتایج نشان شرکت‌های دارای روابط سیاسی به واسطه ارتباط با نمایندگان کنگره و پرداخت وجه به آنها بر کمسیون بورس اوراق بهادار فشار وارد می‌کنند و بر آنها نفوذ دارند و این موضوع سبب می‌شود که از سوی این کمسیون کمتر جریمه شوند.

فرانسیس و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) دریافتند، بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. زمانی که هزینه‌های فرصت فعالیت‌های اجتناب از مالیات قابل توجه و با اهمیت است، مدیران با توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب از مالیات می‌گردند و می‌توانند منابع شرکت را به فعالیت‌هایی که کارایی بیشتری دارند، اختصاص داده و در این راستا تلاش کمتری در خصوص فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌کنند.

بلوری و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پدیده فرار مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی پرداختند. نتایج نشان داد، حساب‌سازی، دست‌کاری و تقلب در ثبت اطلاعات و تهیه صورت‌های مالی شرکت‌ها مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پدیده فرار مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی می‌باشند. شرکت‌ها با کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌هایشان از طریق دست‌کاری و حساب‌سازی، سودهایشان را کمتر نشان می‌دهند و از این طریق مالیات کمتری می‌پردازند.

<sup>1</sup> - Kim & Jung

<sup>2</sup> - Li & Zhou

<sup>3</sup> - Correia

<sup>4</sup> - Francis et al



احمدی لویه و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه حق انتخاب حسابرِس و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسِر پرداختند. نتایج نشان داد، به دلیل انتخاب مجدد حسابرِس در حسابرسی‌های بعدی (جلب رضایت صاحبکاران) اجتناب مالیاتی برای شرکت‌های دارای حق انتخاب حسابرِس بیشتر از شرکت‌های فاقد حق انتخاب حسابرِس است.

پارسا و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی نقش تأثیر تحریم‌های اقتصادی و ارتباطات سیاسی بر درآمدها و شکاف مالیاتی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد تحریم‌های اقتصادی باعث افزایش شکاف مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شوند. همچنین ارتباطات سیاسی نیز باعث افزایش شکاف مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شوند. در شرایط تحریم اقتصادی، شرکت‌ها رو به اقتصاد پنهان و اقتصاد زیرزمینی می‌آورند تا از این طریق بتوانند از پرداخت مالیات فرار کرده و وجوه نقد را در شرکت نگه دارند.

کاوایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت مدیرعامل بر سیاست‌های کاهش مالیات پرداختند. نتایج نشان داد مدیران عامل قدرتمند از طریق مالکیت سهام، تخصص، تجربه و استقلال بیشتر و افق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، مدیریت مالیات کمتری انجام می‌دهند؛ این به خاطر نگرانی از جرایم مالیاتی، جلوگیری از آسیب به شهرت‌شان و همچنین به دلیل جلوگیری از افزایش هزینه‌های معاملات برای مدیریت مالیات و هزینه‌های غیرمالیاتی است.

کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد برقراری ارتباطات سیاسی با دولت تأثیر مثبت و معنادار و وجود اعضای هیئت مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، تأثیر منفی و معنادار بر تهور مالیات دارند. همچنین اعضای هیئت مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، رابطه مثبت بدین ارتباط سیاسی و تهور مالیات را کاهش می‌دهند.

یافته‌های رضازاده و محمدی (۱۳۹۷) نشان داد بین توانایی مدیریتی و گزارشگری مالی متقالبانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با دولت، تأثیر توانایی مدیریتی در کاهش تقلب در گزارشگری مالی را تضعیف نمی‌کند. همچنین آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج آنها نشان داد مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. از طرفی، مدیران شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند.

بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد. ارتباطات سیاسی می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا منابع مالی بیشتری به دست آورند، اما دسترسی به وام‌های تجاری نشئت گرفته از ارتباطات سیاسی، اعتبار مضاعفی ایجاد کرده و هزینه‌های مالی را افزایش می‌دهد.

رهنماورد پشته و محسنی (۱۳۹۷) به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام پرداختند. یافته‌ها نشان داد بین ارتباطات سیاسی و سود نقدی سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش

ارتباطات سیاسی، سود نقدی تقسیمی افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌های تحقیق بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین ارتباطات سیاسی و بازده سهام است.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) به واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی پرداختند. نتایج نشان داد مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت و یا ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، همچنین نتایج نشان داد که مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، اما ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، برای بررسی موضوع سه فرضیه به شرح زیر تدوین شده است:  
فرضیه اول: بین مدیریت سیاسی با گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.  
فرضیه دوم: بین کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.  
فرضیه سوم: مدیریت سیاسی بر رابطه کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

### ۴- روش‌شناسی پژوهش

#### ۴-۱- روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل

این پژوهش از منظر فرایند اجرا (نوع داده‌ها) یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه‌ی اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی - استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از بانک اطلاعاتی نرم‌افزارهای ره‌آوردنوبین و گزارش‌های منتشره در سایت کُدال استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به کمک نرم‌افزارهای EXCEL و EVIEWS 9 انجام گرفته است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون خطی چند متغیره استفاده گردید و به منظور رفع آثار ناهمسانی واریانس احتمالی، روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS) به کار گرفته شده است.

#### ۴-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش حذفی سیستماتیک می‌باشد و شرکت‌های که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، از نمونه آماری کنار گذاشته می‌شوند:

- ۱) شرکت‌های که تا پایان سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.

- ۳) سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مذکور تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۴) در تمامی سال‌های مورد بررسی در چهارماهه پایان سال سهام آنها حداقل یک بار مورد معامله قرار گرفته باشد تا بتوان قیمت بازار هر سهم را در پایان سال به دست آورد.
- ۵) اطلاعات لازم در خصوص انجام این تحقیق در مورد آنها وجود داشته باشد.
- با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۲۳ شرکت انتخاب شد.

#### ۳-۴- مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل ارائه شده توسط فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴)، کاستر و همکاران (۲۰۱۶) و پارک و همکاران (۲۰۱۶) استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول و دوم از مدل (۱)، و فرضیه سوم از مدل (۲)، استفاده شده است.

مدل (۱)

$$TAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Pconf_{i,t} + \beta_2 Mef_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 Roa + \varepsilon_i$$

مدل (۲)

$$TAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Pconf_{i,t} + \beta_2 Mef_{i,t} + \beta_3 Pconf_{i,t} * Mef_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 Roa + \varepsilon_i$$

#### ۳-۴-۱- متغیر وابسته پژوهش

$TAR_{i,t}$ : بیانگر گزارشگری متهورانه مالیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$  است. که از طریق تفاوت بین مالیات ابرازی و تشخیصی محاسبه شده است. همچنین به منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شد. هرچه قدر این معیار بزرگ‌تر باشد سطح گزارشگری متهورانه مالیاتی بیشتر می‌باشد (رابطه مستقیم است).

#### ۳-۴-۲- متغیرهای مستقل پژوهش

$PCON_{i,t}$ : بیانگر مدیریت سیاسی شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد. در این تحقیق جهت اندازه‌گیری مدیریت سیاسی به پیروی از مطالعات انجام شده توسط لینگ و همکاران (۲۰۱۸) و کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) از دو معیار بدهی بلندمدت و نیز وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت به شرح زیر استفاده شده است: نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌ها در هر سال برای هر شرکت محاسبه شده است. نسبت اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت به کل اعضای هیئت مدیره در هر سال برای هر شرکت محاسبه شده است. شرکت‌هایی که نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌های آنها و نیز نسبت اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت به کل اعضای هیئت مدیره آنها بیشتر از میان سایر شرکت‌ها باشد به عنوان شرکت‌های دارای روابط سیاسی می‌باشند و به آنها عدد یک اختصاص می‌یابد (هر دو معیار توأم بزرگتر از میانه باشد) و مابقی شرکت‌ها عدد صفر اختصاص یافته است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

$MEF_{i,t}$ : بیانگر کارایی مدیران شرکت  $i$  در سال  $t$  است. در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری کارایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، کارایی مدیریت محاسبه می‌شود.

به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳)، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)، یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد که برای محاسبه کارایی، از نسبت موزون خروجی‌ها به ورودی‌ها و برای تعیین وزن ورودی‌ها و خروجی‌ها از یک برنامه بهینه‌سازی غیرخطی استفاده می‌کند.

$$MAX_{\nu} \theta = \frac{u_1 SALES}{v_1 COGS + v_2 SG\&A + v_3 NETPPE + v_4 GOODWILL + v_5 INTAN}$$

که در آن؛ Max، کارایی منابع شرکت در سال  $t$ ، SALES، فروش شرکت در سال  $t$ ، COGS، بهای کالای فروش رفته در سال  $t$ ، SG&A، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال  $t$ ، NETPPE، مانده خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال (ارزش دفتری)  $t$ ، هزینه‌های تحقیق و توسعه در سال  $t$ ، GOODWILL، سرقتی خریداری شده در ابتدای سال  $t$ ، و INTAN، دارایی نامشهود در سال  $t$  است. در این مدل برای هر کدام از متغیرهای ورودی ضریب خاص،  $v$  (وزن مجهول متغیرهای ورودی‌ها) و متغیر خروجی ضریب خاص،  $u$  (وزن مجهول متغیر خروجی) در نظر گرفته شده است که بر اساس پیش فرض نرم افزار محاسبه می‌گردد. زیرا اثر همه متغیرهای ورودی (بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، سرقتی و دارایی‌های نامشهود) بر خروجی (فروش) یکسان نیست. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا یک قرار می‌گیرد که حداکثر کارایی برابر یک و هر چه مقدار به دست آمده کمتر باشد یعنی کارایی شرکت پایین‌تر است.

هدف ما از محاسبه کارایی شرکت، اندازه‌گیری کارایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارند، نمی‌توان کارایی مدیریت را به درستی اندازه‌گیری کرد زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود کارایی شرکت را به دو بخش جدا یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل ۵ ویژگی ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام داده‌اند. هر کدام از این ۵ متغیر به عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نماید یا در جهت عکس عمل کرده و کارایی مدیریت را محدود کنند. در مدل زیر که توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) ارائه شده، این ۵ ویژگی کنترل شده‌اند.

$$FIRM\ EFFICIENCY = \beta_0 + \beta_1 SIZE + \beta_2 MARKET\ SHARE + \beta_3 FREE\ CASH\ FLOW\ INDICATOR + \beta_4 AGE + \beta_5 FOREIGN\ CURRENCY\ INDICATOR + \varepsilon$$

که در آن SIZE اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت، MARKET SHARE، سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، FREE CASH FLOW INDICATOR، متغیری مجازی که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است، AGE، عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است، FOREIGN CURRENCY INDICATOR، (شاخص ارز) نیز متغیر دامی است و برای شرکت‌هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند برابر ۱ در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی‌مانده مدل (E) نیز نشان دهنده میزان کارایی مدیریت است. لازم به ذکر است که در این پژوهش رابطه بالا با توجه به در دسترس بودن اطلاعات و امکان محاسبه متغیرها مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان نمونه، اطلاعات لازم در مورد اجاره عملیاتی و هزینه‌های تحقیق و توسعه در دسترس نبود؛ در نتیجه، این متغیرها حذف شدند (بزرگ‌اصل و صالح زاده، ۱۳۹۴).

#### ۳-۳-۴- متغیرهای کنترلی پژوهش و تعریف آن

SIZE<sub>i,t</sub>: بیانگر اندازه شرکت است. که برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها شرکت i در سال t. شرکت‌های بزرگتر به دلیل دسترسی به منابع مالی بیشتر و سودآوری احتمالی بالاتر، به نظر می‌رسد از شرایط بهتری برای گزارشگری متهورانه مالیاتی برخوردار هستند.

LEV<sub>i,t</sub>: بیانگر اهرم مالی شرکت i در سال t است که از تقسیم کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست آمده است. این ادعا از آنجا نشأت می‌گیرد که هزینه بهره، نوعی هزینه قابل قبول مالیاتی است و شرکتی که جهت تأمین نیازهای مالی خود از بدهی استفاده می‌کند، در نهایت سود کمتر و مالیات کمتری را پرداخت خواهد کرد (کلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

ROA<sub>i,t</sub>: بیانگر نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در سال t می‌باشد. که جهت سنجش سودآوری شرکت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. شرکت‌هایی که عملکرد مطلوب‌تری دارند، توانایی بیشتری برای گزارشگری متهورانه مالیاتی دارند (کیم و ژانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

#### ۵- یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱- آمار توصیفی

به منظور شناخت بیشتر درباره جامعه آماری و متغیرهای مورد مطالعه خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است. همان‌طور که نشان داده شده است، میانگین مشاهدات و میانه آنها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می‌کند که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین انحراف معیار متغیرهای استفاده شده صفر نیست لذا می‌توان متغیرهای مورد نظر را در الگو وارد کرد. میانگین

<sup>۱</sup>- Kelley

<sup>۲</sup>- Kim & Jung

بدست آمده برای اهرم مالی ۶۴ درصد است. که نشان می‌دهد ۶۴ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه آماری از طریق بدهی تامین شده است. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها ۱۰ درصد است که نشان می‌دهد شرکت‌های مورد بررسی به ازای هر ریال سرمایه‌گذاری معادل ۱۰ درصد ریال، بازده کسب کرده‌اند.

جدول (۱) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای کمی						
متغیرها	تعداد (سال - شرکت)	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
TAR	۱۱۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۶۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷
MEF	۱۱۰۷	۰/۸۳۲	۰/۸۵۵	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۳
SIZE	۱۱۰۷	۶/۱۴۳	۶/۰۴۰	۷/۶۱۲	۵/۱۸۸	۰/۶۵۱
LEV	۱۱۰۷	۰/۶۴۴	۰/۶۴۷	۱/۱۴۳	۰/۲۲۹	۰/۲۰۲
ROA	۱۱۰۷	۰/۱۲۱	۰/۱۰۲	۰/۶۸۱	-۰/۲۴۰	۰/۱۵۹
متغیر مجازی دو وجهی						
متغیر	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰		
PCONF	۶۱۹	۴۸۸	۰/۵۶	۰/۴۴		

## ۵-۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق

### ۵-۲-۱- نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم

جدول ۲ نتیجه آزمون فرضیه‌های اول، دوم پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج دو آزمون F لیمر و هاسمن در هر دو آزمون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده، بنابراین الگوی مناسب برای برازش مدل ۱ رگرسیون داده‌های پانلی با اثرات ثابت است. جهت بررسی هم‌خطی متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. از آنجایی که برای کلیه متغیرهای مستقل، عامل تورم واریانس کمتر از ۵ است لذا مشکل هم‌خطی در مدل وجود ندارد. سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) در مدل ۱ کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵درصد) است، بنابراین می‌توان گفت شاخص نکویی برازش مدل ۱ معنادار است. آماره دوربین واتسون مدل در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین همبستگی اجزای خطای مدل وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم در قالب مدل ۱ در جدول ۲ گزارش شده است. سطح معناداری متغیر مدیریت سیاسی برابر با (۰/۰۰۰) حاکی از وجود رابطه معنادار میان مدیریت سیاسی و گزارشگری متهورانه مالیاتی است که علامت ضریب این متغیر (۰/۰۴۹) بیانگر تأثیر مثبت آن بر گزارشگری متهورانه مالیاتی است. به عبارت دیگر، با افزایش مدیریت سیاسی شرکت، میزان گزارشگری متهورانه مالیاتی افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. همچنین مشاهده می‌شود که متغیر کارایی مدیران دارای سطح معناداری (۰/۰۰۰) است. با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر (-۰/۰۰۷) می‌توان نتیجه گرفت که بین کارایی مدیران و گزارشگری متهورانه

مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش کارایی مدیران میزان گزارشگری متهورانه مالیاتی کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش نیز رد نمی‌شود. همچنین در مدل رگرسیونی ۱ بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (گزارشگری متهورانه مالیاتی) توضیح داده می‌شود.

جدول (۲) - برآورد رگرسیون مدل (۱)

برآورد مدل بدون متغیر تعدیل‌گر (مدل ۱)				
متغیر	ضریب	آماره t	معناداری	آماره (VIF)
ضریب ثابت ( $\beta_0$ )	۰/۲۱۳	۳/۲۷۴	۰/۰۰۱	-
مدیریت سیاسی (PCONF)	۰/۰۴۹	۱۳/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱/۵۷
کارایی مدیران (MEF)	-۰/۰۰۷	-۳/۳۲۹	۰/۰۰۰	۱/۳۹
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۰۰۱	-۱/۷۲۰	۰/۰۸۴	۱/۷۵
اهرم مالی (LEV)	۰/۰۱۷	۵/۵۹۵	۰/۰۰۰	۱/۷۲
بازده دارایی‌ها (ROA)	۰/۰۶۷	۱۵/۸۹۳	۰/۰۰۰	۱/۳۴
ضریب تعیین	۰/۶۳			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۰			
آماره دوربین-واتسون	۱/۸۱			
آماره F (سطح معناداری)	۲۷/۶۷ (۰/۰۰۰)			
آماره F لیمر (سطح معناداری)	۲۱/۱۶ (۰/۰۰۰)			
آماره آزمون هاسمن (سطح معناداری)	۲۶/۲۵ (۰/۰۰۰)			

### ۵-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه سوم

جدول ۳ نتیجه آزمون فرضیه سوم پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج دو آزمون F لیمر و هاسمن در هر دو آزمون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده، بنابراین الگوی مناسب برای برازش مدل ۲، رگرسیون داده‌های پانلی با اثرات ثابت است. از آنجایی که برای کلیه متغیرهای مستقل، عامل تورم واریانس (VIF) کمتر از ۵ است، لذا مشکل هم‌خطی در مدل وجود ندارد. سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) در مدل ۲ کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) است، بنابراین می‌توان گفت شاخص نکویی برازش مدل معنادار است. آماره دوربین واتسون در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین همبستگی اجزای خطای مدل وجود ندارد.

در خصوص فرضیه سوم با توجه به سطح معناداری (۰/۰۶۷)، مدیریت سیاسی بر رابطه بین کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی تاثیر معناداری نداشته است. به بیان دیگر، مدیریت سیاسی شرکت‌ها موجب تضعیف تاثیر کارایی مدیران بر کاهش گزارشگری متهورانه مالیاتی نمی‌شود. بنابراین فرض سوم پژوهش رد می‌شود. همچنین در مدل رگرسیونی ۲ بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (گزارشگری متهورانه مالیاتی) توضیح داده می‌شود.

جدول (۳) - برآورد رگرسیون مدل (۲)

برآورد مدل با متغیر تعدیل‌گر (مدل ۲)				
متغیر	ضریب	آماره t	معناداری	آماره (VIF)
ضریب ثابت ( $\beta_0$ )	۰/۰۹۱	۳/۲۵۸	۰/۰۰۰	-
مدیریت سیاسی (PCONF)	۰/۰۳۲	۱۱/۲۱۵	۰/۰۰۰	۱/۶۶
کارایی مدیران (MEF)	-۰/۰۱۰	-۲/۱۶۲	۰/۰۳۰	۱/۴۵
مدیریت سیاسی * کارایی مدیران (PCONF * MEF)	-۰/۰۳۳	-۱/۸۳۲	۰/۰۶۷	۲/۴۲
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۰۰۴	-۱/۸۴۴	۰/۰۶۵	۱/۸۳
اهرم مالی (LEV)	۰/۰۰۱	۱/۷۷۱	۰/۰۷۶	۱/۸۷
بازده دارایی‌ها (ROA)	۰/۰۴۷	۱۷/۷۵۳	۰/۰۰۰	۱/۴۱
ضریب تعیین	۰/۶۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۹			
آماره دوربین-واتسون	۱/۷۴			
آماره F (سطح معناداری)	۲۸/۵۲ (۰/۰۰۰)			
آماره F لیمر (سطح معناداری)	۱۸/۳۵ (۰/۰۰۰)			
آماره آزمون هاسمن (سطح معناداری)	۲۳/۴۲ (۰/۰۰۰)			

## ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش تاثیر دو متغیر، مدیریت سیاسی و کارایی مدیران بر گزارشگری متهورانه مالیاتی و همچنین تاثیر مدیریت سیاسی بر رابطه کارایی مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی بررسی شده است. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان داد، مدیریت سیاسی بر گزارشگری مالیاتی متهورانه تاثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته منطبق بر یافته‌های محققانی چون کیم و ژانگ (۲۰۱۶)، پارسا و همکاران (۱۳۹۹)، کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۸) و ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) و مغایر با یافته‌های تسای و همکاران (۲۰۲۱)، هانی و نیانداری (۲۰۱۸) و اسواری و همکاران (۲۰۱۹) است، بنابراین نتایج بیانگر این است، شرکت‌هایی که دارای مدیریت گسترده سیاسی می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی متهورانه‌تری استفاده می‌نمایند.

نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد، کارایی مدیران بر گزارشگری مالیاتی متهورانه تاثیر منفی و معناداری دارد. این یافته منطبق بر یافته‌های محققانی چون لی و یون (۲۰۲۰)، پارک و همکاران (۲۰۱۶)، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) کاویانی فرد و همکاران (۱۳۹۹) و مغایر با یافته‌های کاستر و همکاران (۲۰۱۶) و آقایی و همکاران (۱۳۹۷) است، که مبتنی بر دیدگاه نمایندگی است، بر اساس این دیدگاه اگرچه تهور مالیاتی ممکن است مزایایی برای سهامداران به همراه داشته باشد. ولی این کار هزینه‌های غیر مالیاتی، از جمله زمان، منابع انسانی و منابع صرف شده برای استراتژی‌های مالیاتی و هزینه‌های سیاسی را به همراه دارد مدیران با سطح کارایی بالاتر



قادر به پیش‌بینی بهتر این هزینه‌ها و مزایای تهور مالیاتی می‌باشند. بنابراین سطح مطلوب تهور از مالیات تعیین شده توسط مدیران ممکن است بسته به ویژگی‌های شرکت‌ها متفاوت باشد. سطح مطلوب تهور از مالیات، سطحی است که شرکت در بالاترین ارزش خود با توجه به ویژگی‌های خاص هر شرکت، میزان نسبی هزینه‌ها و منافع حاشیه‌ای ناشی از تهور از مالیات قرار می‌گیرد. یک مدیر کارا، اطلاعات بیشتری در مورد محیط کسب و کار شرکت دارد. بنابراین می‌تواند بازدهی شرکت را از طریق استفاده موثر از منابع محدود شرکت به حداکثر برساند. اگر هزینه‌های مالیاتی و هزینه‌های غیر مالیاتی تهور از مالیات بیش از منافع آن باشد و هزینه فرصت تهور از مالیات بیش از فعالیت‌های دیگر مدیریتی باشد، مدیران توانمند منابع شرکت را در سایر فعالیت‌های مدیریتی از قبیل بازاریابی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مالی صرف می‌کنند تا عملکرد کلی شرکت را به حداکثر برسانند. بنابراین بنا به تئوری نمایندگی و با توجه به رابطه بین تهور از مالیات و ارزش شرکت، با بالا رفتن کارایی مدیران گزارشگری متهورانه مالیاتی کاهش می‌یابد.

نتیجه آزمون فرضیه سوم نشان داد، مدیریت سیاسی بر رابطه‌ی کارایی مدیران با گزارشگری مالیاتی متهورانه تاثیر معناداری ندارد. این نتیجه مخالف با یافته‌های وانگ و همکاران (۲۰۱۷) بوده و با نتایج رضازاده و محمدی (۱۳۹۷) و مالول و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد. بنابراین می‌توان اظهار داشت شرکت‌های دارای مدیریت سیاسی به واسطه حمایت دولت و سیاست‌مداران قدرتمند، با ایجاد فضای انحصاری به فشارها و رقابت‌های موجود در بازار حساس نیستند و کالاها و خدمات مورد نیاز خود را با شرایط اعتباری مناسب از بازار پول و بازار سرمایه تأمین می‌کنند که به تسهیل و بهبود فعالیت‌ها و عملکرد این شرکت‌ها منجر می‌شود. صرف نظر از مزایا و معایب مدیریت سیاسی میان شرکت‌ها و دولت، نتایج پژوهش حاضر بیان‌گر این موضوع است که برقراری ارتباطات سیاسی با دولت می‌تواند با کاهش ریسک مالی و بازده موردانتظار سرمایه‌گذاران، بهبود کارایی و حفظ و افزایش ارزش شرکت به تضعیف توانایی مدیریتی در کاهش گزارشگری متهورانه مالیاتی منجر نشود.

مهم‌ترین پیشنهادهای کاربردی این پژوهش را می‌توان به شکل زیر ارائه نمود:

۱) به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، قوانینی وضع شود تا شرکت‌ها را بر اساس توانایی مدیریتی و با توجه به شاخص کارایی و عملکردی آنها رتبه‌بندی کند تا از این طریق علاوه بر افزایش شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه و ایجاد فضای رقابتی بین مدیران، سرمایه‌گذاران بتوانند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و حسابرسان و ممیزان مالیاتی نسبت به شرکت‌های که کارایی مدیران آنها ضعیف است توجه مضاعفی را در خصوص صحیح بودن مالیات ابرازی آنان مبذول داشته و با تردید حرفه‌ای بیشتری رسیدگی را انجام دهند.

۲) به سازمان حسابرسی و قانون‌گذاران اداره مالیاتی پیشنهاد می‌شود هنگام وضع قوانین و استانداردها هماهنگی لازم در خصوص انطباق و همگام‌سازی قوانین و استانداردها را به عمل آورند و از طرفی از کلمات صریح و واضح استفاده نموده تا حتی‌المقدور از هرگونه سوء تفسیر، ابهام و خلا موجود در قوانین و استانداردها ممانعت به عمل آید.

۳) به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود مقرراتی وضع نمایند تا شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی با دولت هستند مشخص و این روابط افشا گردد. از طرفی به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود هنگام

سرمایه‌گذاری، ارتباطات سیاسی را در تصمیمات خود لحاظ نمایند، زیرا این ارتباطات اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت موجب کاهش خروج نقدینگی و افزایش ارزش شرکت شوند، ولی در بلندمدت به دلیل جرائم مالیاتی، هزینه‌های سنگینی برای سهامداران اقلیت داشته و در نهایت موجب افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شوند.

### فهرست منابع

- \* ابراهیمی، سیدکاظم، بهرامی‌نسب، علی، حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۶)، واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی، مدیریت سازمانهای دولتی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۵۱-۱۶۶.
- \* احمدی لویه، افشین، نیکومرام، هاشم، بنی‌مهد، بهمن (۱۴۰۰)، حق انتخاب حسابرس و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسرو، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دهم، شماره ۳۸، ۱-۱۶.
- \* آقای، محمدعلی، حسنی، حسن، باقری، حسن (۱۳۹۷)، نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۵۷، ۲۴-۴۷.
- \* بادآور نهندی، یونس، تقی زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۲، ۱۸۱-۱۹۸.
- \* بزرگ اصل، موسی، صالح زاده، بیستون (۱۳۹۴)، رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۸۵، ۱۵۳-۱۷۰.
- \* بلوری، امین، مرادی، محمد، یزدانی، حمیدرضا (۱۴۰۰)، طراحی مدل تفسیر ساختاری عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی اشخاص حقوقی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۴۹، ۸۵-۱۱۶.
- \* پارسا، امیدعلی، مهرکام، مهرداد، حصنی مقدم فاطمه (۱۳۹۹) تأثیر تحریم‌های اقتصادی و ارتباطات سیاسی بر درآمدها و شکاف مالیاتی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۴۸، ۸۳-۱۰۸.
- \* خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، ملایی، مهنام (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، ۱-۲۵.
- \* خسروی، تانیا (۱۳۹۳) تأثیر سرمایه‌گذاری بخش عمومی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با حضور مالیات بر شرکت‌ها، دانش سرمایه‌گذاری، سال سوم، شماره دهم، ۱۶۷-۱۸۵.
- \* رضازاده، جواد، محمدی، عبدالله (۱۳۹۷)، توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی دانشگاه تهران، دوره ۲۵، شماره ۱، ۲۱۷-۲۳۸.
- \* رهنمای رودپشتی، فریدون، محسنی، عبدالرضا (۱۳۹۷)، ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال یازدهم، شماره سی‌وهشتم، ۱۲۹-۱۴۴.

- \* رشیدیان، مینا، پاک مرام، عسگر، بیک زاده، جعفر (۱۳۹۳)، رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری، شماره ۱۱، ۶۱-۷۹.
- \* کاشانی پور، محمد، فرجی، امید، برجی، پریسا (۱۳۹۸) ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی، مجله دانش حسابداری، دوره دهم، شماره چهار، ۱۴۳-۱۷۵.
- \* کاویانی فرد، هاشم، خواجوی، شکراله، عوض‌زاده، فریرز (۱۳۹۹) تأثیر مؤلفه‌های قدرت مدیرعامل بر سیاست‌های کاهش مالیات، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوازدهم، شماره دوم، ۴۷-۷۰.
- \* کرمی، غلامرضا، شهابی، علیرضا (۱۳۹۷)، بررسی ارتباط نوع مالکیت و عملکرد مالی با سیاست مالیاتی شرکت ها: شواهدی از شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم، ۱۸۳-۲۰۹.
- \* لاله مازین، مریم، زلّقی، حسن، بیات، مرتضی، سبحانی، علی (۱۳۹۶) تأثیر مالکیت دولتی بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۵۱-۱۷۰.
- \* مسیحی، محمد، یعقوب نژاد، احمد، ترابی، تقی (۱۳۹۸) استفاده از تکنیک‌های داده کاوی برای سنجش ریسک مالیاتی مؤدیان مالیات بر ارزش افزوده، دانش سرمایه‌گذاری، سال هشتم، شماره سی و دوم، ۳۴۷-۳۶۳.
- \* مهدی فرد، محمدرضا، رویائی، رمضانعلی (۱۳۹۴)، اثر مدیریت سیاسی بر رابطه بهره‌وری و هزینه حقوق صاحبان سهام: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال چهارم، شماره ۵، ۲۷-۳۶.
- \* نیکومرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای‌رودپشتی، فریدون، کیانی، علی (۱۳۹۲)؛ اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی، دانش حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۵۰، ۴۱-۵۵.
- \* Ang, J, Ding, D (2013), Government Ownership and the Performance of Government-Linked Companies: The Case of Singapore. *Journal of Multinational Financial Management* 16(1), 64-88.
- \* Aswadi, E, Ariff, A, M, Marzuki, M, M, Sanusi, Z, M, (2017) Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia, *Asian Review of Accounting*, Vol. 25 No. 3, 424-451.
- \* Bai, Ch, Li, D, Wang, Y, (1997), "Enterpris Productivity and Efficiency: When up Really down?" *Journal of Comparative Economics*, 3 (24), 265-280.
- \* Borisov, A., E. Goldman, and N. Gupta, (2013), "The Value of (Corrupt) Lobbying", Working paper.
- \* Bushee, B.J, (1998), "The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior", *Accounting Review*, 73, 305-334.
- \* Correia, M (2014), Political connections and SEC enforcement, *Journal of Accounting and Economics*, vol 57 (2-3), 241-262.
- \* Demerjian, P, Lev, B, Lewis, M, McVay, S (2013), Managerial Ability and Earnings Quality, *The Accounting Review*, Vol 88 (2), 463- 498.
- \* Faccio, Mara, Ronald Masulis, and John McConnell, (2006), "Political Connections and Corporate Bailouts", *Journal of Finance* 61(6), 2597-2635.
- \* Francis, B, Sun, X, Qiang, W (2014), Managerial ability and tax avoidance, Working Paper, Available at: [www.ssm.com](http://www.ssm.com).

- \* Goldman.E. Jorg.R. Jongil. S, (2009), "Do Politically Connected Boards Affect Firm Value?", *Review of Financial Studies* 22(6), 31-60.
- \* Hanlon, M, Heitzman, S (2010), A review of tax research, *Journal of Accounting and Economics*, vol 50, issue 2-3, 127-178.
- \* Hanny,R, Niandari, D,N (2018) Tax Avoidance Practice: Political Connection, Firm Characteristics and Audit Quality Test at Banking Industry in Indonesia. *International Journal of Business Management and Economic Research(IJBMER)*, Vol 9(3), 1296-1303.
- \* Hasan, I, S, Hoi, Q, Wu, H, Zhang, L (2016), Beauty is in the Eye of the Beholder, The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Bank Loans. *Journal of Financial Economics*, Vol 113(1), 109-130.
- \* Herianti, E, Suryani, A, Marundha, A (2021), Managerial ability and future banking performance: the role of book-tax differences as moderator, *Journal of Accounting and Investment*, Vol 22, No 1, PP 173-191.
- \* Iswari, P, Sudaryono, E, Widarjo, W (2019), Political connection and tax aggressiveness: A study on the state-owned enterprises registered in Indonesia stock exchange. *Journal of International Studies*, 12(1), 79-92.
- \* Kelley, S (2005), Taxes, Conservatism in Financial Reporting, and the Value Relevance of Accounting Data, Working paper, University of Washington, vol 5 (3), 215-251.
- \* Kim, B, Jung, K (2016), The Influence of Tax Costs on Accounting Conservatism, Working Paper Working Paper, Korea Advanced Institute of Science and Technology, vol 3, 56-82.
- \* Koester, A, Shevlin, T, Wangerin, D (2016), The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance, *Management Science*, Vol 56 (2-3), 3285-3310.
- \* Lee, K, Yoon, S(2020) Managerial Ability and Tax Planning: Trade-Off between Tax and Nontax Costs, *Sustainability*, MDPI, Open Access Journal, vol. 12(1), 1-13.
- \* Lee, W, Wang, L (2017), Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, vol 1, 1-34.
- \* Li, G, Zhou, H (2015), Political connections and access to IPO markets in China, *China Economic Review*, vol 33, 76-93.
- \* Ling, L, Zhou, X, Liang, Q, Song, P, Zeng, H (2018), Political connections, overinvestments and firm performance: Evidence from Chinese listed real estate firms, *Finance Research Letters*, 1-6.
- \* Maaloul, A, Chakroun, R, Yahyaoui, S (2018), The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution, *Journal of Accounting in Emerging Economies*, vol 8 (2), 185-204.
- \* Park, J, Youl Ko, c, Jung, H, Yong, Y (2017), Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, Vol 23(4), 449- 477.
- \* Saeed, A, Belghitr, Y, Clark, E (2018), Do political connections affect firm performance? evidence from a developing country, *Journal Emerging Markets Finance and Trade*, 52 (8), 1879-1891.
- \* Tsai, P, Liu, Y, Liu, W, (2021) Collusion, political connection, and tax avoidance in China *Journal of Corporate Accounting & Finance*, 74(3), 417-441.
- \* Wang, Z, Chen, M, Chin, C , Zheng, Q (2017), Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China, *Journal of Accounting and Public Policy*, vol 36 (2), 141-162.

## **Investigating the Relation between Political Management and Managerial efficiency on Tax aggressiveness reporting in Iran capital market**

**Ali Molaiy Eial Zoleh**

Assistant Professor, Department of Accounting, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author)  
molaiyali@pnu.ac.ir

**Kaveh Parandin**

Assistant Professor, Department of Accounting, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran  
kparandin@pnu.ac.ir

### **Abstract**

Companies can reduce their taxes or delay paying them through tax aggressive reporting. Various factors, including Political Management and Managerial efficiency, affect the tax reporting aggressiveness. In this regard, the present study aims to examine the effect of Political Management and Managerial efficiency for tax aggressive reporting as well as moderating effect of Political Management on the relationship between Managerial efficiency and tax aggressive reporting. In order to test the research hypotheses, 123 companies listed in Tehran Stock Exchange during 2009-2017 were investigated. In order to measure the Political Management, two models of Long - term debts and State - dependent board of directors is used; to measure Managerial efficiency, the Demerjian's model is used; to measure the tax reporting aggressiveness, the difference between declaration and diagnosis tax is used. In this research, correlation and multivariate regression methods with combined data model and generalized least squares estimation method are used. The results show that Political Management has a positive and significant relationship with tax aggressive reporting, but the Managerial efficiency has a negative and significant relationship with it. However, Political Management do not weaken the impact of Managerial efficiency to Tax reporting aggressiveness.

**Keywords:** Political Management, Managerial efficiency, Tax aggressiveness reporting

